

استقلال و مسئولیت قوه قضائیه

نویسنده:

دکتر محمد قاسم تنگستانی

عضو هیئت دانشگاه خوارزمی

با مقدمه:

دکتر اسداله یآوری

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۱۳
مقدمه	۱۷
فصل اول: مفاهیم، مبانی و منابع	۲۱
مبحث اول: مفاهیم	۲۱
گفتار اول: استقلال قضایی	۲۱
بند اول: مفهوم‌شناسی	۲۲
الف) مفهوم لغوی	۲۲
ب) مفهوم اصطلاحی	۲۲
پ) نسبت‌سنجی استقلال قضایی با بی‌طرفی قضایی	۲۶
ت) امکان‌سنجی تسری تضمینات استقلال قضایی به سایر مشاغل مربوط	۳۲
۱- قضات دادسرا	۳۲
۲- اعضای مراجع شبه‌قضایی	۴۰
بند دوم: ابعاد استقلال قضایی	۴۱
الف) استقلال قضایی شغلی و نهادی	۴۱
اول) استقلال اداری و مالی	۵۲
دوم) استقلال قضایی	۵۶

۶ □ استقلال و مسئولیت قوه قضائیه

- ب) استقلال قضایی بیرونی و درونی ۵۷
- پ) استقلال قضایی واقعی (رفتاری) و ظاهری (قانونی) ۵۸
- ت) استقلال قضایی مثبت (ایجابی) و منفی (سلبی) ۶۰
- بند سوم: لوازم تأمین استقلال قضایی ۶۰
- الف) نظام انتصاب قضات ۶۲
- ۱- نسبت استقلال قضایی با نظام انتصاب قضات ۶۲
- ۲- الگوهای انتصاب قضات ۶۴
- ۳- نظام انتصاب قضات در کشورهای منتخب ۶۹
- ب) تضمینات مربوط به طول دوره تصدی منصب قضایی و عدم جابجایی قضات ۷۲
- پ) نظام مطلوب ارتقا و ترفیع قضات ۷۶
- ت) تضمینات مربوط به امنیت مالی، حقوق صنفی و آموزش قضات ۷۷
- گفتار دوم: مسئولیت قوه قضائیه ۸۰
- بند اول: مفهوم شناسی ۸۰
- الف) مسئولیت ۸۰
- ب) پاسخگویی ۸۷
- پ) وظیفه ۸۷
- ت) نظارت ۸۹
- بند دوم: تقسیم بندی مسئولیت قضایی ۹۲
- الف) مسئولیت های قضات ۹۳
- ۱- مسئولیت مدنی قضات ۹۳
- ۲- مسئولیت کیفری قضات ۹۴
- ۳- مسئولیت انتظامی قضات ۹۵
- ب) مسئولیت قوه قضائیه ۹۵
- گفتار سوم: تعادل میان استقلال و مسئولیت دستگاه قضایی ۱۰۱
- بند اول: مفهوم ۱۰۱
- بند دوم: ضرورت و ویژگی ها ۱۰۴

پیش‌گفتار □ ۷

- بند سوم: رویکرد سیستمی به مفهوم تعادل ۱۱۳
- الف) قوه قضاییه به مثابه سیستم ۱۱۳
- ب) طبقه‌بندی سیستم‌ها ۱۱۷
- پ) انواع تعادل (ایستا و پویا) ۱۱۹
- مبحث دوم: مبانی نظری** ۱۲۲
- گفتار اول: مبانی نظری استقلال قضایی* ۱۲۲
- بند اول: تضمین قضایی قانون‌مداری و رعایت اصل حاکمیت قانون ۱۲۲
- بند دوم: تأمین اعتماد عمومی نسبت به قوه قضاییه ۱۲۳
- بند سوم: تضمین رعایت حقوق و آزادی‌های بشری ۱۲۴
- بند چهارم: فراهم کردن زمینه رشد و توسعه اقتصادی ۱۲۵
- بند پنجم: دادرسی عادلانه ۱۲۷
- گفتار دوم: مبانی نظری استقلال قوه قضاییه* ۱۲۸
- بند اول: شرط سازمانی تأمین استقلال قضایی ۱۲۸
- بند دوم: نظریه تفکیک قوا ۱۳۰
- الف) جایگاه قوه قضاییه به عنوان یک قوه مستقل در نظریات تفکیک قوا ۱۳۱
- ب) لزوم استقلال و مسئولیت قوه قضاییه در نظام سیاسی ۱۳۵
- گفتار سوم: مبانی نظری مسئولیت قوه قضاییه* ۱۳۷
- بند اول: لزوم کنترل قدرت مقامات عمومی ۱۳۷
- بند دوم: تضمین کارآمدی نظام قضایی ۱۳۸
- بند سوم: محدودیت‌های مالی و الزامات ناشی از نظریه مدیریت عمومی نوین ۱۳۹
- بند چهارم: تأمین اعتماد عمومی نسبت به قوه قضاییه ۱۴۰
- مبحث سوم: استقلال و مسئولیت دستگاه قضایی در اسناد بین‌المللی و منابع فقهی** ۱۴۰
- گفتار اول: استقلال و مسئولیت دستگاه قضایی در اسناد بین‌المللی مربوط* ۱۴۱
- بند اول: اسناد بین‌المللی لازم‌الاجرا (معاهداتی) ۱۴۱
- بند دوم: اسناد بین‌المللی توصیه‌ای (غیرمعاهداتی) ۱۴۲
- گفتار دوم: استقلال و مسئولیت دستگاه قضایی در منابع فقهی (شیعه دوازده امامی)* ۱۴۶
- بند اول: استقلال قضایی و تفکیک قوا در اسلام ۱۴۶

- بند دوم: تحولات امر قضا در گذر زمان ۱۵۲
- بند سوم: فقه و سازماندهی امور حکومتی ۱۵۵
- نتیجه‌گیری فصل اول ۱۶۰

فصل دوم: مطالعه تطبیقی استقلال و مسئولیت دستگاه قضایی ۱۶۳

- مبحث اول: استقلال و مسئولیت قوه قضائیه در الگوهای مدیریت عالی این قوه ۱۶۴**
- الف) اختصاص درصد مشخصی از بودجه کل کشور به قوه قضائیه ۱۶۶
- ب) الزام قوه قضائیه به توجیه نیازهای خود برای قوای مجریه و مقننه ۱۶۷
- گفتار اول: اختیارات موسع وزارت دادگستری در مدیریت عالی دستگاه قضایی (بررسی نظام قضایی آلمان) ۱۷۴
- گفتار دوم: اختیارات تعدیل‌شده وزارت دادگستری در مدیریت عالی دستگاه قضایی (بررسی نظام قضایی ایالات متحده امریکا) ۱۷۸
- گفتار سوم: اختیارات محدود وزارت دادگستری در مدیریت عالی دستگاه قضایی (بررسی نظام قضایی ایتالیا) ۱۸۰
- مبحث دوم: تعادل میان استقلال و مسئولیت دستگاه قضایی از طریق شوراهای عالی قضایی ۱۸۶**
- گفتار اول: جایگاه و نقش شوراهای قضایی در مدیریت عالی دستگاه قضایی ۱۸۷
- بند اول: الگوهای کلی شوراهای قضایی ۱۸۷
- بند دوم: رابطه شوراهای قضایی با وزارت دادگستری و دیوان عالی کشور ۱۹۰
- بند سوم: ضرورت ایجاد شوراهای قضایی در حوزه دادستان‌ها ۱۹۲
- گفتار دوم: ساختار و صلاحیت‌های شوراهای قضایی ۱۹۳
- بند اول: ساختار شوراهای قضایی ۱۹۳
- بند دوم: صلاحیت‌های شوراهای قضایی ۱۹۷
- گفتار سوم: استقلال و مسئولیت شوراهای قضایی ۲۰۲
- مبحث سوم: سازوکارهای مسئولیت دستگاه قضایی در پرتو تعادل میان استقلال و مسئولیت دستگاه قضایی ۲۱۲**

پیش‌گفتار □ ۹

گفتار اول: سازوکارهای نظارت بر قوه قضاییه.....	۲۱۵
بند اول: نظارت بر فعالیت دادگاه‌ها از طریق آمودزمان قضایی.....	۲۱۵
بند دوم: نظارت و حسابرسی مالی از نحوه هزینه کرد بودجه عمومی در دستگاه قضایی.....	۲۱۸
گفتار دوم: مسئولیت درخصوص عملکرد قوه قضاییه.....	۲۲۰
بند اول: الزام قانونی به رای و انتشار گزارش‌های عملکرد دوره‌ای.....	۲۲۰
بند دوم: نظرسنجی عمومی درخصوص عملکرد دستگاه قضایی.....	۲۲۳
بند سوم: شناسایی امکان شکایت از عملکرد دستگاه قضایی.....	۲۲۵
گفتار سوم: پاسخگویی مدیریتی از طریق ارزیابی عملکرد دستگاه قضایی.....	۲۲۷
بند اول: نسبت پاسخگویی مدیریتی با استقلال قضایی.....	۲۲۹
بند دوم: موضوع، نهادها و آثار ارزیابی عملکرد قضایی.....	۲۳۳
نتیجه‌گیری فصل دوم.....	۲۳۹

فصل سوم: استقلال و مسئولیت قوه قضاییه در ایران..... ۲۴۳

مبحث اول: استقلال و مسئولیت قوه قضاییه از آغاز مشروطیت تا اصلاحات سال ۱۳۶۸.....	۲۴۴
گفتار اول: تعادل میان استقلال و مسئولیت قوه قضاییه در دوره مشروطه.....	۲۴۵
بند اول: استقلال قوه قضاییه و جایگاه آن در نظام سیاسی.....	۲۴۵
بند دوم: مسئولیت قوه قضاییه.....	۲۵۳
بند سوم: انتقادات وارد بر الگوی مدیریت عالی قوه قضاییه.....	۲۵۵
گفتار دوم: استقلال و مسئولیت قوه قضاییه براساس قانون اساسی سال ۱۳۵۸.....	۲۵۹
بند اول: نقش و جایگاه شورای عالی قضایی در مدیریت عالی قوه قضاییه.....	۲۶۳
بند دوم: مشکلات نظام شورایی مدیریت عالی قوه قضاییه.....	۲۶۹
بند سوم: پیشنهادهای جایگزین برای نظام مدیریت عالی قوه قضاییه.....	۲۷۴
الف) تقویت استقلال قوه قضاییه.....	۲۷۴
ب) تقویت مسئولیت قوه قضاییه.....	۲۷۷

مبحث دوم: استقلال و مسئولیت قوه قضائیه پس از اصلاحات قانون اساسی در سال	
۱۳۶۸.....	۲۸۶.....
گفتار اول: استقلال قوه قضائیه.....	۲۸۶.....
بند اول: جایگاه و شرایط احراز سمت ریاست قوه قضائیه.....	۲۸۶.....
الف) جایگاه رئیس قوه قضائیه در نظام قضایی و سیاسی.....	۲۸۶.....
ب) شرایط و نحوه انتصاب رئیس قوه قضائیه.....	۲۸۸.....
بند دوم: حدود استقلال سازمانی قوه قضائیه.....	۲۹۱.....
الف) حدود اختیارات بودجه‌ای و مالی قوه قضائیه.....	۲۹۲.....
ب) حدود اختیارات اداری و استخدامی قوه قضائیه.....	۲۹۹.....
الف) وضعیت امور اداری (استخدامی و تشکیلاتی) مجلس شورای اسلامی.....	۳۰۶.....
ب) وضعیت امور اداری (استخدامی و تشکیلاتی) دیوان محاسبات کشور.....	۳۰۶.....
گفتار دوم: مسئولیت قوه قضائیه.....	۳۰۸.....
بند اول: مسئولیت در برابر قوه مقننه.....	۳۱۱.....
الف) نظارت مالی دیوان محاسبات کشور.....	۳۱۲.....
ب) مسئولیت در برابر کمیسیون اصل نود قانون اساسی.....	۳۱۳.....
پ) مسئولیت از طریق تحقیق و تفحص مجلس شورای اسلامی.....	۳۱۸.....
ت) سایر سازوکارها.....	۳۳۱.....
بند دوم: مسئولیت در برابر قوه مجریه.....	۳۳۱.....
الف) مسئولیت رئیس جمهور در اجرای قانون اساسی و نسبت آن با قوه قضائیه.....	۳۳۱.....
ب) نظارت اداری وزارت امور اقتصادی و دارایی بر رعایت قوانین بودجه و مالی - محاسباتی.....	۳۴۴.....
پ) اختیارات نظارتی سازمان برنامه و بودجه کشور در اجرای قوانین بودجه سالانه کل کشور.....	۳۴۶.....
ت) رایحه گزارش عملکرد قوانین برنامه توسعه.....	۳۴۷.....
بند سوم: مسئولیت درون قوه‌ای و در برابر مقام رهبری.....	۳۴۹.....
الف) نظارت درون قوه‌ای از طریق سازمان بازرسی کل کشور.....	۳۴۹.....
ب) نظارت قضایی بر تصمیمات، اقدامات و مصوبات مقامات عالی قوه قضائیه.....	۳۵۱.....

پیش‌گفتار □ ۱۱

- پ) الزام به ارایه گزارش عملکرد توسط قوه قضائیه ۳۵۵
- ت) مسئولیت رئیس قوه قضائیه در برابر مقام رهبری ۳۵۷
- نتیجه‌گیری فصل سوم ۳۶۱
- نتیجه‌گیری کلی ۳۶۵
- پیشنهادها ۳۷۰
-
- فهرست منابع و مآخذ ۳۸۱
- الف) منابع فارسی ۳۸۱
- ۱- کتب ۳۸۱
- ۲- مقالات ۳۸۷
- ۳- رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها ۳۸۸
- ۴- گزارش‌ها ۳۸۹
- ۵- منابع اینترنتی ۳۹۰
- ب) منابع انگلیسی ۳۹۲

پیش‌گفتار

در رویکردی کلان، انسان و جوامع انسانی در کلیه شئون حیات خود، همواره در مواجهه با ضرورت‌های دوگانه و ظاهراً متضاد و متقابل قرار داشته‌اند: حق و تکلیف، آزادی و محدودیت، فرد یا جمع، رهایی یا مسئولیت و تعهد، و موارد بسیاری دیگر از این دست را می‌توان مورد اشاره قرار داد. در گذر زمان و تجربه طولانی و پس‌افراط و تفریط‌ها و یکسونگری‌های افراطی در یکی از این مسیرها، به نظر می‌رسد انسان و جامعه انسانی در پاسخی عقلایی و معتدل، امروزه در پی راه سوم، متضمن راهبردها و راهکارهای متعادل و توجه به مجموعه ضرورت‌های موجود هستند. مدیریت اداره و هدایت جامعه، و کشور و دولت (به مثابه بازیگر اصلی این امر) از این امر مستثنی نیست. شاید یکی از مهمترین مقوله‌ها در حوزه وظایف و مأموریت‌ها و به عبارتی، کارکردهای دولت را باید در مواجهه با دو راهی حفظ نظم و امنیت از یک سو (کارکرد اولیه و سستی دولت) و تأمین و تضمین حقوق و آزادی‌های افراد (محصول تغییر نگاه به جایگاه دولت و فرد و رابطه میان آن‌ها در عصر مدرن و به‌ویژه پسامدرن) از سوی دیگر دانست. به عبارتی این دو راهی دو روی یک سکه است که توجهی توأمان و متوازن را می‌طلبد.^۱

یکی از عرصه‌هایی که ضرورت‌های دوگانه و غیر همسو در آن جلوه قابل توجهی داشته، حوزه قضا است. استقلال و آزادی عمل قاضی یک امتیاز و اقتدار مطلق، رها و مصون از اعتراض نبوده؛ بلکه اعطای آن در جهت تحقق عدالت (قانونی) با چارچوبی مشخص در قوانین بوده است و بر همین اساس، به مانند هرگونه اقتدار و صلاحیت دیگر در حقوق عمومی، نیازمند احساس مسئولیت و لزوم پاسخگویی در مقابل آن است. اما با کدام کم و کیف؟ آیا این امر با استقلال دستگاه قضایی ملازمه دارد؟ آیا قاضی یا دستگاه قضایی و یا هر دو مسئول پاسخگویی در قبال آن هستند؟ پرسش‌هایی از این

۱. البته کم و کیف این موازنه، به نوبه خود، تابعی از نظریه دولت پذیرفته شده در یک نظام سیاسی - حقوقی است.

دست همواره محل توجه صاحب نظران بوده است؛ اما تاکنون نه در سطح نظری و نه در عرصه عملی، به ویژه در نظام حقوقی - قضایی ایران پاسخ‌های عمیق و دقیق و راهگشا به این مهم داده نشده است.

دستگاه قضایی، یکی از کلیدی‌ترین ساختارهای قدرت در تضمین نظم و امنیت و رعایت حقوق و آزادی‌ها است. استقلال و پاسخگویی و نسبت میان آنها را باید از مقوله‌های دانست که در ذیل و درون مجموعه‌های دوگانه و یا به سخن دیگر، دو راهی‌های حیات فردی، اجتماعی و سیاسی قرار می‌گیرند. استقلال قضایی در دو شأن استقلال قاضی و استقلال دستگاه قضایی قابل بحث است. استقلال دستگاه قضایی به خودی خود فاقد موضوعیت بوده و چنین استقلالی با هدف و در خدمت استقلال قاضی در تصمیم‌گیری؛ و استقلال قاضی به نوبه خود در خدمت تحقق بی‌طرفی در قضاوت و نهایتاً تصمیم‌گیری در پی تحقق عدالت حقوقی است؛ عدالتی که چارچوب و حدود و ثغور آن در یک جامعه دموکراتیک محصول اراده مردم است که با زبان نمایندگان مستقیم و غیرمستقیم آنها (قانونگذار، مجری و قاضی) محقق می‌شود. به سخن آخری، اساساً دستگاه قضایی ابزار تحقق عدالت حقوقی بوده و خود اصالت ندارد؛ همان گونه که دولت و حکومت نیز تنها یک مجموعه مجازی است که بشر در حیات جمعی ضرورتاً به آن تن داده است و این موجود مجازی نمی‌تواند و نباید خارج از اراده افراد جامعه عمل نماید.

امر قضا در جمهوری اسلامی را شاید باید تا حد زیادی متأثر از ماهیت و ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی دانست.^۱ شاید مهمترین چالش در این میان نگاه ایدئولوژیک داشتن به دستگاه قضایی به عنوان بخشی از نظام سیاسی و در واقع لزوم حمایت دستگاه قضایی و قاضی از کلیت نظام سیاسی است. از ساختار و تشکیلات گرفته، تا آیین رسیدگی و اعتبار احکام، نظام قضایی در ایران دارای تفاوت‌هایی با

۱. جمهوری اسلامی ایران، فارق از تفاوت‌های نظری با سایر نظام‌های دموکراتیک، دارای فاصله عملی میان مجموعه‌های کنونی رسمی و غیر رسمی، مستقیم و غیر مستقیم، و یا اصلی و فرعی (مانند قوانین اساسی و عادی، اصول حقوقی، شرع و مقررات مادون قانون، معاهدات، رویه قضایی و...) با عملکرد گروه حاکم است. با وجود این، در مجموع شاید بتوان تاحدی، با برخی اصلاحات بنیادین در فقه و دستگاه فکری دینی و البته تفسیری مبتنی بر حاکمیت قانون (و نه حاکمیت فرد و یا شرع مستقل از قانون) این نظام را مستعد حیاتی دموکراتیک دانست. یعنی اسلامی بودن نظام سیاسی - حقوقی تنها در سایه و ذیل اراده مردم مشروعیت و موضوعیت داشته باشد؛ نظری که شاید بتوان قائلین به نظریه مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی نظام اسلامی و ولایت فقیه را طرفدار آن دانست.

نظام‌های قضایی در کشورهای دیگر است. به عنوان مثال، مدیریت دستگاه قضایی (پس از اصلاحات قانون اساسی در سال ۱۳۶۸) در اختیار رییس قوه قضاییه قرار گرفته است؛ امری که در هیچ یک از نظام‌های قضایی موجود در دنیا، به این نحو سابقه ندارد. ضمن اینکه مقام مذکور در امر مدیریت و اداره دستگاه قضایی دارای صلاحیت قضایی نیز هستند. به علاوه، مقام مذکور و سایر مقامات عالی دستگاه قضایی (از جمله رییس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، رییس دیوان عدالت اداری) به صورت رویه‌ای رییس از میان روحانیون انتخاب می‌شوند. همچنین برخی نهادها و سازمان‌ها (مانند سازمان بازرسی کل کشور، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سازمان پزشکی قانونی کشور) که اصولاً باید در زیرمجموعه قوه مجریه (البته با رعایت حدی از استقلال مبتنی بر اندیشه عدم تمرکز اداری فنی) قرار داشته باشند، پس از انقلاب سال ۱۳۵۷ ذیل دستگاه قضایی قرار گرفته‌اند و منجر به ایجاد چالش‌های مدیریتی، مالی و به تبع آن کارآمدی در اداره این نهاد شده است. نحوه و آیین جذب قضات نیز در برخی موارد دارای ایرادات اساسی است، همین طور می‌توان به مسئله قطعی بودن آراء در نگاه شرعی به رسیدگی اشاره نمود.^۱ درخصوص آرا نیز متأسفانه، با توجه به عدم اعتقاد به اعتبار امر مختوم مبتنی بر توجه به احتمال غیرشرعی بودن برخی آرا و به ویژه عدم اعتقاد به اعتبار امر مختوم برای خود نظر شرعی که مجدداً می‌تواند محل بررسی قرار گیرد، در نظام قضایی ما رأی نهایی وجود ندارد.

اثر حاضر را که حاصل زحمات آقای دکتر تنگستانی، از محققین و پژوهشگران توانا، جدی و کوشا، در قالب رساله دوره دکتری خود در دانشگاه شهید بهشتی است، باید تلاشی در جهت پاسخ به پرسش‌های پیش‌گفته دانست. تلاش مزبور بیشتر معطوف به تبیین لزوم پاسخگویی دستگاه قضایی به موازات آزادی و استقلال عمل آن، و همچنین جستجو و یافتن شیوه‌ها و ابزارهای موجود و ارائه راهبردها و راهکاری بهینه در این خصوص بوده است. علاوه بر پذیرش اصل لزوم برقراری تعادل میان استقلال و پاسخگویی، شاید یکی از دستاوردهای این رساله را باید در توجه عینی و مشخص به راهبردها و راهکارهای تحقق آن دانست.

۱. البته در گذشته، علاوه بر این موارد، عدم اعتقاد به تخصصی بودن دعوی و رسیدگی به آنها و یا عدم اعتقاد به تفکیک مراحل تعقیب و تحقیق از رسیدگی در دادسرا در دعوی کیفری نیز منجر به ارائه لایحه دادگاه‌های عام و حذف دادسرا گردید که خوشبختانه در سال‌های بعد مجدداً اصلاح و به حالت اولیه بازگشت.

همچنین از مهمترین مباحثی که آقای دکتر تنگستانی به نحو احسن به آن پرداخته است؛ آشکار نمودن فقدان این تعادل با برتری مؤلفه استقلال (با تأکید بر استقلال از قوه مجریه و نه استقلال از کلیه مقامات عالی سیاسی) نسبت به پاسخگویی مبتنی بر برخی استنباطات از ملاحظات شرعی و همچنین عدم اتصال دستگاه قضا به سایر اجزای حکومت در مفهوم مدرن (سایر قوای کلاسیک) و به تبع آن عملکرد جزیره‌ای آن است؛ ضمن اینکه استقلال یادشده به دلیل عدم توجه به برخی از مهمترین ابعاد آن مانند استقلال بودجه‌ای در کارا و مؤثر بودن با چالش‌های زیادی مواجه بوده است. علاوه بر این، نویسنده مفهوم تعادل در اندیشه‌های مدیریتی را نیز در سایه ارشادات استاد بزرگوار جناب آقای دکتر محمدوزین کریمیان (که سمت مشاوره رساله ایشان را به عهده داشتند) به خوبی محل توجه قرار داده‌اند. در واقع، تأکید بر تعادل سیستمی و البته پویا در مجموعه مؤلفه‌های امر قضا و مدیریت آن، شاید یکی از حلقه‌های گمشده در اداره مطلوب دستگاه قضایی در ایران باشد. در خاتمه ضمن آرزوی موفقیت‌های آتی برای آقای دکتر تنگستانی، امید است آثار ارزشمندی از این دست بتواند برای همه فعالان عرصه علم و عمل در دانشگاه و دستگاه قضایی مورد استفاده قرار گیرد.

اسدالله یآوری

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی